

اداره مرکزی جبل المتین
کلکته لورجیت پور در روز ۲۵
کارهای متعلقه با اداره پور و جبل المتین
(مؤید الاسلام) التعمیر است
و نیز فی اداره کارهای تعمیر است
در شهر سیراز و در شهر قشم
و در شهر ۱۲ شهرستان
مطابق ۲۶ ماه و سیزده سال

حاصل است

قیمت مرغ اجرت بیست و یک
هندستان بر و پناه ناکه از ۱۰۰
ایران افغانستان ۱۳۰۰
اردو باد صین ۱۳۰۰
مالک شمالی سو - جویدیک
مالک وید - مالک وید
بکرمهستان - چهارانه
مالک فارجه - یک نفر

کوه جلوه و سی با سنا بلتی کجیت میشود عا سبقت و تشایا اوه عدم میا حقن از
در چشمه کجا از هر گرم وقت و در سوزی مر سلام المنفعه ل ارس از او در سوزی ارس از او

(عرض شکر از بهر ان بیستگان)

الحق ان شاء الله تعالی که بهمان نوازی و مهربانی و مساعدت بهر ان
و بهر ان همدستان خود قسم جبل المتین کجا است
در هر راه و هر مورد کمال مهربانی را با ما داشته و در اند
در هر مورد و موقع از شکر که آری آن عاجز بوده ایم
خصوصاً در باره اعطای لقب شریف الاسلامی که از جانب
سنتی البرانس العلیه است از من شایسته ایران غدا الله
سجده بیدر جبل المتین رحمت شده هر یک از بهر ان
اینچه خود شایان بوده اند در اظهار سرت تبریک و
جبل المتین در بیخ داشته اگر چه برادر چنان بود که
از هر یک بهر ان محرم خود حضور ما و کمال اذیت سر
در ریاض الاخبار و روزانه اخبار دلی و شمیر و کن و غیره
و سراسر صفتی و سلطان الاخبار و چه در هرین صدی و
اخبار نیز اعظم و بوال اید نامی نیز در آنچه تا کنون
در هر راه و اخبار تک دولت و اخبار مفید عام اگر
در شکر الاسلام و در سبب همد و اخبار المستکم
اخبار امید و سبب روزگار و شمس الاخبار و قاسم
و قاسم الهند و چنانچه اخبار و فوائدی الافید و غیره
سبب و غیره در روز و شب و بیکسیر و قاسم الهند
سبب ان شاء الله کلکته مسلم که شکل و ارا السلف اید
سبب است و اسلام چنان که در این اخبار است
و علی بن خورشید و غیره که انچه اخبار شکرنا هم چون
اخبار ما کجا پیش از او بیکسیر و کف نمودیم

از خداوند عز و جل که بهر ان و بهر ان محرم تمام
زیاده برین در حق ما بهر ان شده اند و ما را هر یک
برین توفیق خدمت بملک و وطن و اسلام و اسلام
عایت سبب
شکر از چنان نوازی تجار محرم
بهر خط صفتی شایسته در جبل المتین
بیست و سوم شهر جبر و استگاه بهی شده
و ایمان و تجار محرم ایران و عینه که از راه معارف
شناسی محض استقبال و پذیرائی حاضر بوده است
و میان اتمان نموده عازم اقامت گاه خوش شایسته
عبدکار پر دراز قانه مبارک که دولت علیه ایران رفته
جناب سلطان قاسم کاشف السلفه جبل و سلس
دولت علیه عالی با کمال گرمی و خشنودی پذیرائی
از خدمات شایسته جبل المتین بدولت دین الهی
در توفیق و مسرت نموده پس از صرف نهار و اجرت
جناب تر سیدار سولانا عابدی مشیخ عبدالحسین امام
جماعت معلوم محرمین هم دیدن نموده اهل با ارا
حسین پذیرائی و لطف همان نوازی محرم تجار
زبان شکر قمار حست از خداوند عز و جل که در همه
اینکه در معارف شناسان را در دولت ما زیاد عینه
شعبه ۲۹ رجب ز حالیکه بسیاری از او
را شرفنامه ایمان و تجار محرم ایران و غیره
این شایسته نموده با کمال گرمی و خشنودی پذیرائی

القرایان یان یقین سببی با وجود اقامت چندین سال
یا اوله در حشر اینده صحت عینه اسلام رسوم سبب
اسلام خاصه توفیق مقام اتمام سادات علم و فواید
و همان نوازی از دست داده بهر ان کجا است
در بیت شده اند
(اخبارات خارجیه)
محکمگی انگلیس کجا معارف تکلی حکم با من
بغت لیون تک تازه داده است
اطمات صوبه اصلیه که از معارف توفیق
حکومت همد بود را با کمال مهربانی و اذیت
حکومت همد بر منوع کرده
در پاریس الله و در و در ایض الباز داده اند کجا
راه و اسلحات داشت باشند از صفتی اکتشافات تازه که
سازد در ایض شده ظاهر سکر و کشار الیه بری شود
و سبب هر کرد
مردم اسپانیا از دولت انگلیس با رض اند که اذیت
غالی دولت انگلیس یافته
در صوبه سنو تک بری و بهر ان تمولین آلمان کجا
ساختن راه آهن دارند
سبب ان شاء الله صوبه (اند و سبب) بری و بهر ان
لیون فرانک راه ساختن راه آهن داشته است
خبر حکر و فاس
محکمگی کجا معارف تکلی حکم با من

و بالای سوادان لشکر کشی شود

حکومت جمهوری بر احوال در خاص صنعت ایران
حکومت جمهوری در خصوص مالیات قرار داده و عایدات
راهی دارند

سیکونه المیزنت سلطان کردن بند بر چرخه کالا
در وقت فرسوده گریخت آن یکمیلون فرانکست
حکومت سهر ۲۳۱۰۰۰ لیره در مالیات از این
تخفیف نموده تمام دول سازه که در حکم است
قبول نموده اند

انکه با سایر صنعتی که حسنی بر بیانات پناه
قانون انگلیس قبضه آتش زده است
حکومت در آن سه ساله در بهر روز و بعضی فرستاده
در ایالت کرده است
و دولت عین بخار فزاند و بزرگ ساختن با آهنگ
و بکن پنهان آید باره داده است

در صورتی که در پی است (در فاسدن کوچی از مالکین
پدا شده دست زور) مسدود است
در کار کا ساختن در راه بر مینویس می آید
در من کجاسی بارگی بر می آید کرده اند
تا بکنی نیز فکس بر سید رو

(احتمالاً در رسته) در لندن بجهت ترقی خود کمالی
نموده که دارای یک میلیون و چهار صد هزار
اسباب سرمایه خود اخبار علاوه بر اینست
این سرمایه جهت ترقی است و این سرمایه را
اسباب میل المیزنت و غیره تریب یکدیگر است
بما هم در وقت اخبار خرابی بود
در سینه عیب ترشل انگلیس تو سوم (مسدود کن)
بر میان عقل رسانده اند

فرد و کار (و) در است با ما هم شده اند در حالت
دولت و کشی بنیادت لگژی همدار هر جا که
افراد است که امیر المورمان در زونالی و گت است
لندن رونق افروز خواهند شد
از دولت ملیتهائی در این سینه ما بهت (که ناچار
پارلمان انگلستان در باره سلطان است آید در
ترقی را در سواد و سواد گرفته حضرتنا المیزنت سلطان

یکت رأس است بی هم بصورت وقت فرسوده
در ده یکا سکر دولت فزاند تا میست که قانون
مخدوم در (لا ماقا طامون اشاعت یافته
افراد است که اینده می حق قلب شمالی تا حال
دیگر بود (در شیشه تریب که در او کا فزوده
که اینده ای این مقام گشته است
و اگر سومین (دون) عهد و بیانات بقت بیاید که
در انده ولی و شمالی بقت تحقیقات ملی نماید

حکومت تازه وسط آسیای روس
و در جنگی، ترمیز کردن نهی عظمی نموده است
که از در غاب در زمان این بکر و دیگر
این همه یکمیلون لیره از این لم بزرگ قابل
خواهد شد در هشتان امانت ایران برایت
بیت علی بیو هم سده هزار سیدیم
(تلاکرافات خارج)

پسارم شعبان اردن سید صید فرانسه در لندن
از کلین (الغبار داشته که من ثابت خواهد نمود که
حون فرانسه و انگلیس سالی یکدیگر نیست
است براده بروسی (در سینه دولت) بجهت هم
نمودن یا و کار خرمی در است سخل آمده از غاب
ریاست و در است سمول (در خصوص درین ایام
بهم موجود خواهند بود و تکان این نمایش
دارند که این حرکت او سواد و سواد است
در آینه اینست عمومی روس در مارت و سینه
مجلس سار سوزنی شده است

لا در و خارج در سیرات خود اظهار داشته است
دولت انگلیس قدری باه خود خود را سنی
که در اتحاد اول هم خوف بروی حالت بگردد
چشم شعبان از لندن مجرای چند روز هم
مالی نموده با هم اینان خود را و با اسبوت
و صریان توری فتا و در بعضی نموده

تجارت را در شکلهائی از تصرفات یاد داشته
از ارضی نموده تجار در کمالان انگلیس را چون از جا
خود در بکن و بکن خصوص فرساده آن گفت بماند
زیادتی تعرف فرانسه را دولت روس درین

شکست کرده است
مارنگ پوست نینو (ایگستی کیانک
اراده فرج کشی و از دنیا بیک اردوی او در انگلی
میش برود و یک چهارمکی او در (انگن) رسیده
در مسیلا که در الحکومت طمان است در حکم
خود را کا خفا هم نموده است قانون و حکام اسپان
در صرف حرکت

تیشم شعبان طس لندین مسینه که
و کسان لا زمین سالی شده و در این شنه
پرسن خارج در زمین بجان آمدن که در
وده کرده است که بر تمام فرق بدون
حکومت خواهد کرد و در اندک زمانی که
در برینه خود را در نماید
بعض شعبان سید دولت را زونی در بکن
از واد استمال تصرفات فرانسه دولت
اوضاع نموده است

لا در و بروج دو سیت و بخواه بر ار بر
که حضرتها آهنگی در لندن قائم شود
در اجتناب است
کسانک دولت فرانس را همیشه
درین راه از اراضی اسانیت
بیش شعبان لا در و بروج مسود
جمله بر ار بر جن صفائی در این
لا ایران با هم جسم جمعیت
عایت فرما

وقایع کار طس از اطلاق سید که دولت
رو ستر ساجت که هشت میلیون لیره از دولت
از کار است در صدی سده و هم
کامیاب شود
ششم شعبان (ایم دیویموی) در
در حکم که بجهت تحقیقات
شخصا شهادت خود را خواهد داد
سده جس که با افضای بالمان است
در هم در بر اعظم اسپانیا
اولی اسپانیا با برنده

اعداث نامه آن کس بر روی که بجز او باقی نماند
 داشت باشد یعنی از تبتاده در ایران ابراهیم خاندان
 در شکل و صورتیست زیرا که چون ابراهیم بگویند
 در ایران قاری بود و در میان عادی با او نیکو بود
 نبودند و از او معافی میگویند که بنده و با او دشمنی
 و لویچای دست خود گرفتند و با تاملین آنهای ناگوار
 اوقات گذشته و در وقت جنگ ایستادند اما اینها
 نگزیدند و در وقت جنگ و کوشش بزرگان و ملا و
 یلدی در یک شبهه و تقصیرین ابراهیم دست ابراهیم گرفت
 و در دم با خوار شدن به در خصمه توابع و معاصرو و
 آنهای خوش و در دستهای پاک پاکیزه و در
 تمام توابع و لویچای شده و لغت این ظلم را دیده
 اهل بلاد و بجز خود بکمال رساند و بخت و نصیب
 و سیل اقدام در این کار کرده میگویند که شهستان
 از شهرداری و بجز معاصرو بهتر کرد و در کمال رساند
 و رغبت آدمی بن قیاس و به اینها منصف شده بلکه
 بعضی از مولین و بزرگان علاوه برین و بر برای احد
 اینکه امورات بگردد و یک مشت سلبی که از آن تقسیم
 مجلس تحقیق بگردد و خواهد کرد که در فغان معصوم
 باغ یا فغان عمارت صرف نمایند چنانچه در مالک ستم
 دیگر چنین میگفته سابق برین و در کلکته هر گونه با بهایی
 سیر و تفریح و تفریح بود لیکن باغ و جشن عمومی شد
 بزرگان مملکت عاید شهزاد از توسط این بده و بر مملکت
 کرده در خارج متصل شهر طریح باغ و جشنی از هر قیاس از
 سبب آن تبری یکس که در تمام نقاط عالم قیاس
 شده اند و در اندک مدتی با همی در کمال سفا و با
 کسب بی امان و میباشند که تفریح در عالم عالم
 بدست میآید مثلاً از بلا و قلب شمالی فرس کجا
 که در چشمه و رنگ منلی این فرسهای مملکت آسیا
 و افریقا را در آورده و فیروزه لاک آبی چنین کنند
 بزرگان چون که در باله کرده و این طلب معلوم و خدمت
 که از بهت دست یکی کردن بزرگان و اشراف و امان
 مملکت ایستادگانای بزرگ که بافت آنها گشت بر
 و فهم و نیاید از شخص دولت میستادن توقع اینها کرد
 و نیز از یک نفری هانس از اعیان و بزرگان مملکت و دولت

یک شود بلکه که را بلی انقدر هست که براسای
 فسخ لازم است که درم باین کار اما آنگاه
 در اینها نمایند و در صورت فسخ را با ایستادگی
 آنجا بیچاره با در شکم مفت خور بار برده و در ملازمت
 که درین موارد انسانی دولت را تحقیر نمایند و مردم
 مسخری این کار را امتیاز کنند البته اگر عالم بزرگی
 در اقدام این کار خود اول مقدم شود و سلبی از خود تقصیر
 کتیه چنین است که رعایا و کسانیکه متعده هستند درین
 کار خود اری نمیکند و در بدل سلبی چنین دست باز
 نمیکنند باری باین طور که فرض شد میستوان بخیام
 امر کرده و بجز دست را بر مفاظ

واقعات ممالک عثمانی

بوجهیکه وقایع نگار مخصوص اداره از اسلا ببول منبوت
 دولت علیه قضایه بنیاسات میاید و بوقت راستی
 که تخلیف معاصر موضوع بحث نماید چنانچه سابق نوشته
 بودیم که تسلیم سکوت دولت علیه در معاصرو گریست
 عرض گشت در کلکته معصومه است تا اینکه اعلیحضرت
 امیرالمردان در اسلا ببول و فوج افزون بودند
 سیاه اعلیحضرت سلطانی و امیرالمردان الی مجلس غلام
 متقد شده و دولت ممالکات و بجز کلکی مشکله معصومه
 بوده است اگر چه تحقیق نمیدانیم ممالکات اینها
 بیان کرد ولی بطریق اجمال اعلیحضرت امیرالمردان
 آلمان اعلیحضرت سلطانی را اطمینان کامل داده اند
 در بهر جهت تخلیف معصومه
 خدمت معصومه درین سفر و سیاحت اخیره او و پادشاه
 اسلا ببول بویک شایه و باید درین موضوع بحث نمود
 طرف داران خود را قوی دیده اند این بود که درین
 سافرت اخیره اسلا ببول مجلس معصومه و سایر
 و رجال دولت علیه عثمانی که در یک مجلس شمشیر
 اعلیحضرت سلطان هر شرکت داشته درین موضوع
 بحث شده که یا قبل از وقت استعدا خود را
 دیده اند چنانچه دولت علیه عثمانی بتر آید بجهت
 در از و یاد قوه محسبانی خود کمال اهتمام و سعی
 فرموده بوجهیکه سخن از اخبارات الممالکاتی
 قوت بری دولت عثمانی از اسلا ببولان است

و اگر حالت نایبه دولت علیه عثمانی بخیل شود
 قوت بری دولت عثمانی در تمام دول فر
 در فدر بشمار خواهد رفت و آفات ادوات
 بجهت بری عثمانی را بهم نیستند انرا هیچ
 کم گفت این با هم دولت علیه عثمانی در از و یاد قوه
 بجهت خود بکمال سعی و کوشش را داده چنانچه
 چهار چهار جنگی زره پوش تازه تدارک فسخ
 بواسطه مخالفت بجهت امر علاوه برین در نتیجه
 چهار تار معصومه میباشند

چون دولت عثمانی از بهت و تدارک جنگی خود گرفت
 فسخ کرده و دول مطامی را بهم که باید با خود متفق
 نمایند نموده یک دست برده از روحی کار برده شد
 مسئله تخلیف معصومه را زیر بحث آورده اند و لاجرم مجلس
 فسخ میسازد رجال دولت عثمانی که بعضی از بزرگان
 حصار به شه یک بوده اند شده بعد از آن را
 آشکارا کرده و در سپهرش از روی کار روانی می خود
 برداشته

در باب عالی معصومه مجلسی بریاست شخص سلطان
 منقد شده در مسئله تخلیف معصومه گشت نموده از این
 گشت را باید دانست که تا امروز درین موضوع
 سیاستون عثمانی و شخص سلطنت شرکت داشته
 امروز که شخص سلطان و سیاستون عثمانی آنکاز
 موضوع بحث می نمایند معلوم است که مسئله تخلیف
 اهمیت پیدا خواهد کرد و بجهت اخبار را لویه معصومه
 اهمیت این مسئله از سلفش او چه تا راست
 معصومه دولت عثمانی است به سادها اینکه
 من با تخلیف معصومه درین است و احتیاج چند
 دولت و تمام معصومه درین مسئله با سلطان
 و تدارکی که از چند سال با اعلیحضرت درین
 ضمن سلطان می بیند منتظر است
 که که در وقت دانسته گریست را از غلوط
 مسلمانان او در مشایه سابق برین بجهت
 نوشته بودیم که مسئله گریست و تسلیم سلطان
 این سه دولت معصومه پیش نموده و معاصرو تخلیف
 معصومه چنانچه یک تفریحش ظاهر میگردد

مقاله ملی از دانشندان

از سرچشمه

چرخش می نویسد یکی از دوستان در چندین قبل
ملک شتار آیا امکان می کند عمل تبارد امر ملکه را
بدون آموختن روز علم سیاست عادی بودن یک
غیرت طبیعی کفایت

من بنده در جواب این حدیث شریف را تا به شما
داوم که اول املی که الفصل عقل سلیم کلیه تمام مشکلات
و مباحات بر مشکلات

در جواب می نویسد (جان با ما خوب آورده

یک تاریخ و عالم کرده صحیح است تمام علوم و فنون
عالم از کلمات خیاثت عدالت لیکن جزیکه ما از قصد
بنا نمودار انداخته اینست علی که تیز شب بیدار

ده لیکن دانشمند است از کف میگذارد و مل اعراض
نشدند همه که مان فرقی (شاید کل بر جا که بر کفایت
روانا با عقل اله تعالی میستوانیم ثابت کنیم که کما حق

اروی سندی ای رو به با قانون اساسی نه به به
است و کلمات حکم ای امواتی با قانون بیج کمالی است
تصور می شود می شود (در بعضی) که یک سر نهنگ

فکر نیست ست سالست که تمام مردم فرانسه را بخود
شوق کرده است

بدون نظار و دو سالی مجلس در وقت قرائت صحیفه جات
اتهامیه این شخص سبب حصول رای بهانه ای که اسرار دولت
باید فاش شود نمی گرفته اند و مجلس سینه او حکم داده اند

و اتفاقاً مجلس است کلز فصل بیخ سال فرانسه آنچه سال
ارزوی ای که می سپرد است که این حرکتی بی نهایت
خفایت بوده است یا اینکه تمام صحیفه جات بطور علی و راست

شود و مجلس عالم حق از باطل معلوم کرده و گناه کاران را
شاخته شود یا اینکه تجسید می نماید که از ادب جات
است بر وجه قانون عدل و خفایت حق اینکه ناظر بر

استحاکم کرده است قایم مقامی که اسباب تمام شرف
چیده خود را احتسار کرده و بی این مسائل بیایکوت
مردم نمی شود و در تمام روزها مجامع می نویسد مقالات

طویل که مانند یک یکبار روز ندان میل و کلا از جنب
حایت اصاف و در است حتی اینکه در استحاکم

الف هر چه یکی از روزها مجامع می نویسد کلمات

و فصل شریعت

اذا نکتة بزرگ پیست که مردم ایرانی از مبلغ کم
برتلاف میفرمایم مثلاً یک روز نامه نگار چهار
بخانه اسم سپه سالار را بنویسد با پیش ملا کافند

بیا که این بنحیون که خود خبر بنگان استان بنیا
ستطاب اهل اشراف شاهزاده آزاده
دام الله العالی اعلی این روزنامه نویس می نویسد

بگذار که کشف یکی از ادواتی مجبور که دست اندازد
محمودیت می نویسد و نفس شود روزی مجلس فرانسه
که عبارت از چند اعظم و سپه سالار و رئیس عدلیه و سایر

اداری همه یک هم روز در ملک و ادبیات آنها سلطنت
نیست باشند آقایان وطن پرور سانس که گویند
آفتاب حقیقت محسوسیت این سر نهنگ خیاره از زیر

ایرانی خفایت کلای مان می بیند و آن به حکامی که
بایکفتم خفایتها را بیخ است از اجاب میدادند و
شوق کرده بودید خود تا از انستاد و بیای

اساس یکد اشتمید و در دست حمایت نای ظلم
ولی انصافی را در هم شکست که با بیخ از ادواتی حکم
بمخلاف خفایت و شکستن روز کار شت یکفتم یکبار

خود را در خفا می نویسد یکی از روزها مجامع و بخود
می نویسد اینست که فرانسه را حال فارزوری
که داشت موجود عدم ادبالی بر اداری مگر می شد

و سگات سپه سالار قدیم را در ادب بخلاف خفایت
نکردن خوانده کردیم عیای آقای سپه سالار که عالم خفایت
بدرجه بر خلاف وقت که اگر بفرزاد ایانات سبب

تقیب او شد یکی از روزها مجامع و بخود می نویسد
عجایب حکامی که می رسیدند و بیای که با نون ایرانی خفایت
مستطاب اهل اشراف آقای وزیر جنگیاش و در

تصور در بعضی مملکت محکومت و در اوقات کرد
خود مجسمیت این چهار را سخن کرده و گفت تمام
از آدمی و در هرگز از وی تجسمت و حکم کشیدم حکم

بگناه کاری در بعضی وادامه حال امر در معلوم شد
که بطور تاز و ذوقی که در دست جناب وزیر جنگ بود
خیل شوش با اغراض شخصی آورده آورده بجان و در

در وقت قیامت

که بطور وقت قیامت کرده بود ساخته بیرون آمد آقای وزیر

بگ حکم محسن قائم مقام از می کرد که جناب وزیر جنگ
بخواهد بعد از احوال قایم و کلا املی صافه روز را هم
کند و بخواهد بگوید که من شیک جایت میستم

لاحظه فرمایید اینکه میگویند تون و در وقت که ام است
چرا پوشی کسی در عالم شهو ر شده و ام شبهه آید
ذنیست و وضع فوت و دست سلوک بهترین تمام

طوائف است ل مثل خانی که اول شد مسلمان بود کل
از میان رفته اگر یک روز نامه نگاری در ایران این بیای
یک الی الی لایت بنویسد از خود جناب الی هم هر شت

سؤال میکنم که با او میگویند لیکن این ملک کافر بود
خوب مقامی همه عرب شرف کرده است و در عزمه
حکومت اسلام با هر خوب آئین میدی رواج گرفته است

اگر مثلاً یک شخصی قتل نمیش کرده باشد و ملک فرانسه با اسرار
سند زانم حکامی که اثبات شده است با ادب کامل هرگز
میکنند و خلاف حریت از طرف نامورین دولت می

مثل ملک (حالا که سایرین می نویسد خود وزیر بنیم) از
بچاره در بازار و میگویند یکی ازین همیشه اش را از
آقای است مثلاً برو همیشه اش میگویند همیشه

بفر اشیا می خرید به آنوقت خفایتهاش که کلاه های
که بر سر گذاشته و شتابی قیام از شمال و جنوبان حرکت
باز بارهای متقال رنگ کرده و ملی که خوب از ساقی با

با این حالت کبی کم و زیاد میستوانیم گوئیم که شتاب با عدل
و در رخ همین حضرات همیشه در دکان کاشی چاره بگفته
از هر طرف راه چاره را می میدند که اگر محسوس است

چانی اگر وقت نه با است ملوک کابا پله (ماهی خفایت
نیمه زننده است یا برو) بعد سگشته خفایت چاره را نا
بهر حالت کبابی در ضمن راه به پشت کرد و نش میزند

و هنگامی تومی کلاه معنالی بکند چاره تا پیش جناب
و از سر تا کمر می شود که شب لطفال چشم بر آه مانده و در
بچاره در زندان و کلاهی دولت بجهت شاهزاده مجلس

در بعضی می نویسد که یک نفر بیست بخلاف ادب حرکت
است صحیح است یکی از خواجگه های مردم سزای بلطنت
دارم برف آمده است در مردم خانه میزد می می می

برف با ایگله کرده در بر روی و در روز و در

خود هم به طرف ترخان کس ششم کمان کرده کم کاین بی اثری
 بالین من است خیالی پریشان این شخص خراب بیان ملل را
 کلمه گفت که اسکر و کلاو مسجور ازین طرف و چایسین
 خلاف حرمت استید استند که ای بعد ازین قتیته خیالی
 بسیار است که در حکومت فرمانده
 در قدیم با این مسموم بود و هر دو روی در اول و در قیاس از
 گذشتن پول در مشت نایب یا به نظر از قریه داشته و کلا
 عدله غالب نایب بوده اگر ایستاد از این
 خرد نایب که در وقت بحار است عدله را دارا میکند دلیل
 اینکه در بون از خرم حکم کرده بود و حکومت وزارت شهرها
 بود که از خراب زود و برخیزد ولی اوقات کمی نماند این شیخ
 نومی در تمام فریاده نایب ملامت و در روز از قرون با
 حسن و پارسا بلکه او مهای سخنان وزیر در درگاه وزیر
 او مهای سخنان امیر و در نایب امیر او مهای مرم خانه ذوق
 مرم خانه وزیر او مهای سخنان در درگاه آقا مکران پستان
 کاه کس در پیش شاه مای مسموم مکران ملامت کلج شده مین
 کش مکران بر پیش حسین بیری و آخر آنی چشم باز میگویم
 نمی آیم ترسند به چشم خود پرستیم از غرور مستقیم خیالی مردان
 سفور در ایام او یک پیر رحمت پسر شاه پادشاه مال
 در مقام اسپهبدی یکی از احکام قانونیه این یکی باشد
 ناموس رعیت ناموس پادشاه است و ستاری رعیت
 سبب نایب دولت عدل سبب تیره نایب شمش است
 دارد تیره با بجان در وصایا پیش میگردد دولت حاصل
 نشود مگر بتیمیر ملین و آبادی ملین حاصل شود مگر بدیل
 سلطان در پیش سلطان و وزیر راه مظالم هیچ محل حرف نیست
 که عادل رعیت و مستند ولی قانون غالب را باید یک
 هست پادشاه و اتفاق وزیر مظالم از میان برود
 و نام خود را در عالم بینه کرد ای هموطن من ایامی که یک
 من بیکای که روزها بحار است در ضمن پادشاه میروانی بستان
 قسم پیش از خواندن این مقالات که بجهت من و تو
 برود در حق لطمه به چشم ماری بقیه گفته بانه دست
 غیر نمند من از میان زود میگردد آیا و است این برادر
 کلامی نیست سنی احب دلای حقیقتا خاصیت این شرح
 بی نظیر نگردد ای هم و یک تو عالم مستغفرو که آینه با
 هزاران پورا پستی و طلا دوستی و حبه باه است بجز

فینا امورات خود کینم همان عتق سلیم احمدی اخاص
 صاف بیکدی که حاصل قس میت کند مردان حکیم
 عرض کرد وضع قرانی بجهت عمران ملک داری کرده اند
 خود سخن هیچ امری نموده اند که از شیبه افان شصتی ششم
 حصول آسانتر شود که در بیجا نه برار حاصل مثل کتب
 نیست که بهر چه خط و مقام منصب گفته از شرم او ششم
 پادشاه و هم با صاحب کور شود که سالان در آن روز
 در خدمت روز بزند و قیاس حکم که مگوا قائل ترین مردم
 در خدمت آنوقت صفت آنکس مینمونه است از شرم او ششم
 فکر صفایه بگویم و به چشم که قائل ترین مردم بدون آن
 علم ملک داری نموده اند کلا ری کتدوس نامه آنگاه
 فرمود سپه دانا و متکی میشد اما که داشته باشد و در آن
 شده است نایب عام میگردد از شرف است
 مکتب جدید علم جدید برای نایب جدید خط آهن جدید
 مگر اف جدید علم مکتب جدید
 توای خرابی زن کن بر زنیار که توهم پارینه ناید کار
 دعی ان گره بر شینا و هر چه لکم شاه مال چیرین
 قله هرات است چون این لشکری که در دور هرات
 از علم نظام بهره نداشتند و این صاحبان صاحب ماری
 سبب علم هند سینه استند بیخ قله نانی نشدند کاکا
 بر شرم مبرزه با واسطه نمودن آب حرارت که تفت
 میشتند مگر اگر اینی در شهر با باشک نایب آب گرت
 میکند و گاهی دستور العمل افغانها در جای نردبان
 پوشش بر میساختند گاهی یک کتد از سنگ حرکت کرد
 دست و روی قاقب نمیکرد و خط رحمت دست نمین
 میدادند و کلاک وزیرای در بار کیوان اعتبار چون
 از علم ملک داری ماری بودند و در مکتب تحصیل علم
 پرنیکت بخرد بودند از رفت آمد ستر کینل شهینج
 استنام بر شرف آید و دیگر دانه و مال اینکه مکرک قانون
 عقل صحیح این و مسائل غم خفای صرف و روشن بود
 اندوه ماسلف فکری برای آینده کتد
(کوایف در بار می ایران)
 همه فامان امیر تومان کین برادر جناب خطاب
 اکرم فخر شرف نایب امین السلطان مند اعظم کاز
 رجال فخر و پاکر ان صندیق تجرب دولت و پیشه صند

مترم و بزرگ بوده اند از قیاس و شرفت مخالفه جات
 صاحب عینی غیره سرافراز بودند و این احکامات مورد ملام
 ملوکانه آمد بصورت مدارت علمی بر است قریح و کلام
 کرده او حکومت انجام لقب عیسی از السلطان که از
 الفاب بیند دولتست متخوردت و فراز آمد
 سیر را جعفر خان بین الملک نایب اول و در آن
 دیار او در دولت ملکه شمانی و در شمس کل انسانی تذکره
 دولت ملکه که وجود خود را بر نور سیرت راست و ثابت
 استند ایشان بر بر بملود رسید و موجب بدل کتد
 خصوص آمد بر حسب تصویر مدارت علمی و استه ماک
 جناب خطاب شیر الدوله وزیر امور فارس و منصوبت
 تذکره دولت علیه و با نایب کتد سیرت در مجمع ملی
 شاهزاده بین السلطان ایل نالی این جلیل قاجار
 که از ریال فخر در بار دولت است بر حسب تصویر
 مدارت علمی بصورت فاطمه صندری و خطای کتد
 سرداری ترمر ووشن الماس مصلح و نماز کردید
 برادر اگر فخران بنت السلطنه سرور که وزیر نظیم و مصلحت
 شهر دار الفنا که از رجال بزرگ خدمت گذار دولت
 و شبانه روز خود را صرف نظم و رعیت داده خود
 نموده و خاطر خود رشید مظاهره و در س ملوکانه از حسن
 خدمات ایشان راضی و خورشید است موجب
 درام ملوکانه آمد بصورت مدارت علمی باطلای یک
 ثوب پالتدی ترمر ووشن الماس که از قریح کلام متخورد
 و بیای آمد
 میرزا محمد حسین رشید و ای کل دفتر ایتمای دولتی
 که سالهای دراز است که در دفتر استیفا مستقل نیست
 که از ری بیاشد با تصویر مدارت علمی موجب بدل کتد
 آمد باطلای یک قطعه صای و صص از درج اول مصلح
 و بیای آمد
 نواب شرف والا شاهزاده مسوق الدوله خانانان
 مکران کاشان که از پاکر ان منصور کتد سرور و سالیان دراز
 به سلامت مشر و دشمن شخص سلطنت از روی صداقت
 خدمت کرده است بجهت میل ملک شرفا بانه آمد بصورت
 صندت مدارت علمی صص طای یک قطعه
 ششیر در صص از درج اول مصلح و بیای آمد

(اخبار اشهری)

چند سال است که سافران و هندسان دولت پند
 انگلیس در نهایت جد و جبهه تمام صفات غریب دولت پند
 سیاست نموده از تمام راهها و معبرها معمول و غیر معمول که
 نقشه اورا کشیده حتی از کرمان باصفهان که چند روز پیش
 معمول دارد و فواصل از جهت عدم امنیت تر است
 کرده آنها رفت و همین نموده اند و علی ایضا کوشش را سابقا
 دانش که از پرتیک سه ساله واقف است میداند
 محتاج بدانکه نیست که بفهمند تا و خیال با که از حقیقت
 اینکه تسلط بسیار چیزند و باعمال و انفال خود که چایدان
 موقعیت اشغال دارند بهر حال سیستان از جمله فاعلی
 است که برای دولت انگلیس فرض است استعدا خود
 در آن نقطه بلکه عربستان و بوشهر بلکه تمام فارس تمام
 اماکن غریب ایران که دولت بروسی چندان نموده می فراید
 بزودی بنایماند و فی الحقیقه ملوک گیری دشمن از رویه و پند
 که برسد آنها مثل نقش و لوح آب این باقی شده و دیگر
 بالاتر نمیرود زیرا که قدرت و لیس بزرگی در جمل دارند
 والا آنها که امکان داشت از پیشرفت مضایقه
 بنود و ادب نموده معضله این مطلب شرح خواهد داد
 و شرح آن نیز بر سواد ناخنده جمل با نام دارد و در
 که سالها گذشته شده افان پنداشته اند از آنکه این
 که دولت انگلیس از عهد دوهنند و بلوچستان و از
 سیستان خیال ساختن میایی دارد و الی خدا انسان لهذا
 رجال ملین پرستان آن دولت که از بیگانه خدات
 که او را در زحمت خارج در راه دولت ملت خود میفکند
 خازند و حدود و از اطراف در تردد و بیانشند چنانچه
 اوقات کسان ساکن صاحب قرضل بائی کسان که
 انبند و درینا و تسلیم فارس در باب منبع الحک و متکلیک
 ایران با صورت داشت عبیدان از بند بدهی برسط
 بلوچستان رفته معادوت بکوار نموده از انجا به بوشهر
 و شیراز رفته چندی در شیراز بود اکنون از سران بکران
 آمده اند و سلط بلوچستان ایران را در هرفتن سیستان را
 دارد و چون چندان راه است از راه سرحد باختر تا اینست
 خازند رفت که تقضای اموریت خود را قار نماید
 کشیشی که انگلیس که در بناد و تسلیم فارس و در کرمان

و نیز از روی جهت تعلیم و تأدیبال اطفال است
 در نهایت جد و جبهه مشغول به ترویج مباحث ذمیه خود
 میباشند و این کینه بزرگ است که پول آنها و نموده و
 مخصوص که در کلیسای لندن که آمده شده جمع میشود
 و اکنون بقدری معشده که از سود آن مخارج تمام آن
 کشیشها که در آن راه و راهی خود توان و هر که ام
 دارند میباید که در جهت توان مواجبه اند و هم
 اولاد بهم رسانند فراسی توان بر مواجبه آنها داده
 اند و در خواهد شد خلیفه و بزرگ آنها در مصفا
 و پیشکشش امور میکند بلاکت ام در کرمان است
 مجلسی از افعال را تعلیم داده و هر روز در یکشنبه
 جمعی کشیش است نماز عاقره میخوانند و بطرفه و آ
 استماع مواظب نمایان
 در زمان سلطنت شاه شهید که هندی سین کلکت
 سده بنی ایران و نور و زمان بلوچ که یکی از
 رعایای بلوچستان و ایران است اموریت داشته
 ضد چون این سرحد بنی در حقیقت بیعت خود آنها
 بود و در مانگست بر سر حد و دیگر آنها الیه خطه و
 تین بکرده آنچه نشانی نه لکن سرحد و اران آنها
 البته خردا تا بکر که خوانسته باشند الی سیستان و
 حسیه آن خواهند بود البته زحمت آنرا که خدمت
 نبرد و خاتمان و ایران است بر زده است دولت
 (مکتوب)

خدمت جناب مؤید الاسلام السلیبین در برتر
 جبل التین زحمت و مشق میدهد که در سبیده فریده
 در باب بنای راه شوره و سیستان در قوم رفته بود
 شده اینکه نوشته بودند و سابقا هم که در قوم و مردم
 داشته اند که امتیاز جا و بکش ملک بنام رده و
 همیشه ملک گن است بی شاهزاده رضوان مقام
 مایه منسه تا و میرزای ستمه الله و له هم در باب امتیاز
 بیگانه و فیکشاد قوم نموده اند که در هر گای هزار آنگاه
 کمان میزایم که ۱۰۰۰ از خندان عظیم عطای امتیاز
 پتیده خازند یک در در هم مطلع و لغت شده و از
 تاریخ سال که شده که مسدا است از شرح اندام و
 و اوقات و اینها همیشه با ستمه ولی بد و زنده

و به پرسشند در آرد و طبع مرغ و امی به بند
 ظاهر این امتیاز شکوفه دیده نیست که یکبار امتیاز
 مدینه به یکانه حمایت شده اینهم علاوه فریده کرده و
 صد آرد نوده سده است
 حال بریان و ضررهای استقبال کارندایم صحبت
 مندرایم بلکه در صورت اظهار است و غیرت و
 استقامتی این راه رسته این همیشه منافع عظیم بر داشته
 در مقابل سیلهای او و پاسه نای بزرگ که آشنده
 تمامی خطه و سیستان را گلستان نایم
 بری است که هر وقت این راه تمام شده از همان وقت
 تجارت و مراعات اصفهان با دو قریه آخسرو و به
 نزیات زیاد خواهد نهاد
 هستنکامیکه مسافر از قندهار با کشی و دودی با پیشتره و از آنجا
 تا اصفهان با کاسکاسی رفته و بعد از طریق طر لاهور
 پاریس و پنج روز طی نماید سبک کمال اطمینان و امیدوار
 از ریت پروری و عدالت کشی حضرت شرف و انگل
 السلطان که در شاهزادگان آسیا کما و چها هستند
 و غریب آب و هوای اصفهان که مشهور جهان است تمامی
 معاصرین ایرانی تقیبن ملک عثمانی و هندی و عثمان که
 اکثر از حب ملین سرشار و بسیاری صاحب ثروت بسیار
 بی دربی با خجاری شده و ما میبازار آن که آبادی شده و
 رعایت جهانی و قوت محمدت سلطانی بزودی دوباره
 نصف جهان بلکه فرمای مالک و سید و رشک و از آنجا
 جات نمایان خواهد شد و از آنجا آنهمه آبادی و
 شغل و یکسره رشته مسلسل ترا که کش فاعله و میوینکه
 حکومت مالک در آن در سیستان و مواد و ضعیف
 یک شاهزاده معظم مقتدر و نام و نامشده که صاحب ملک
 و در آن دولت در امور مملکت و در امور سیاسی و
 فنون و علوم ماسی و دارای طول باشد که هزاران در
 بیدار که دارد از ستمه و غایب در آن صفات و اینهم
 سیستان کار با جلالی به بند که در سینه بخند و نموده
 امر با تمام آرای ستمه و طرح ریزی بند و اسکله و بنای
 استخوانت کاغذی نموده سده امور از طرفت اینست
 و آن اراضی و سینه در آن چون بر طلاس آید شده که
 چنانچه در زمان بی عباس پیش از آن بود و زیاد

روز به روز با عیال و عیال که بسیار است از خاک و خرابی و آتش
 و از شدت بیکاری اکثر آبسنگهای آن روستا فرار
 یافته اند که میزند در کلهای حقیقت و شتاب ملکلی از ترک
 مسیبه و غم خوردن و از شدت فقر و تنگدستی و تسبیح و
 ستم نیست که چون یک شاهزاده عالم عادل کامل کارون
 در مالکات مکه که در مسلمانان و تمامه سال از نایابی ملک
 خودش انقدر حیاسا شده مطلقا و آنگاه خایه خایه بگفت
 شده و آنگاه حسام سیاه که افق بیکر تو توان
 اراستی که شطالیه بی طرفین رود که در وقت
 هر وقت آوردی اسبکهای نایه

لازم بآن روز سال گذشته که دولت علیه در سندیا را به
 بستن و از هم روز نمودن ستم لیلان اینانی محبتین تار ب
 غارت و غنچه شده که چون بجای بنه نهاده شود و اسباب
 اسبیت این سینه هم از فردا که در نایبهای زمین و
 زمین که در وقت گذشته که خزانه طراز این به اداره
 فرستادند که بنده حاضر مکه که اطاعت خود را واجب کرده
 در آنجا نسیب بیایم از چندستان هم بودای حیدر پیش
 از این رشت و زلی با سفر رسیده که آواز دل با زور
 خواست است فلان آقا که در مدینه بود که در وقت کتی
 چه بسیار اوضاع و احوال است که زمین همه بسیار
 بود برای نفس بسیار بود که نسل آن از تمامی اراضی
 صنعتی است نیاز دارد و خاک اجود است در ارض
 دولت که کریمی شهباز است در تمام مسطور بسیار
 در در دولت و تار و از دست فرستاد که حاملی ایجاب برت
 فسق و فحش از طرف جانب عاجسته آید و دم شربت
 اینها ملایکه کمال آنگی یا نسیه اند که همگام با
 برقی مالک شهباز است که بوی خوش از این خبر هست که
 در آنجا ای و برسان که جلالت سبیل راه و تخریب در آن
 راه بکسارت تمام مالکت فارغ دارد و جان فشانی
 گذشته با مالک در میان خط سبیل آن همه و خوش
 و وفایت و در گذر و شطالیه راه و تخریب تمام است
 نیست از در در افکار بسیار بین محل کمال است
 است از وقوع و صل سبزه مار که در ساحل کوه و غنچه
 سبزه و جلالت نگاهداری و مخالفت این در روزگار
 مردعه و باهم در تمام دنیا نیست و مشکوی هم نوی

و دست و دست را ترا از بخنداری و الیاد را و اب
 برای فایده رسد و برین سه دستای بخت این
 بشه تا اگر اسبکهاات بنده و اسفند و لنگر بود و شک
 باشد هر قسم آفریده شوی و در سخن بسیار است
(جبل المتین)
 اسبک هم تمام شد اما نامه بآورد که در وقت
 سیلهای اردو با آنکه اول نامی قابل آسب است
 از مقام علیه و کلمات تطلیبه پادشاه غنچه تن پنا
 محمد شاه امار الله بر نامه بود و چنانچه در کنار است
 و در بار طهران لفظ گفته می باشد

اسبک هم تمام شد اما نامه بآورد که در وقت
 سیلهای اردو با آنکه اول نامی قابل آسب است
 از مقام علیه و کلمات تطلیبه پادشاه غنچه تن پنا
 محمد شاه امار الله بر نامه بود و چنانچه در کنار است
 و در بار طهران لفظ گفته می باشد
 است حکام و نظام بنادر فارس بر ویزه غم
 شکستش و روشن بر روشن دورداد و از اصحابان
 جناب و ابی لازم است مدل که در روزمان و برین
 شاه از ایران
 گویند که اسبک از استاد نامی در گامی خود پر سیه
 که بجهت جهان گیری و جهان داری به لازم است
 جواب از اول پول دوم پول سوم پول اکنون است
 علیه هم پول پول لازم دارند سبیه با چهار گشته
 زمان به از آنجا که برای اسبک از اوقات حال بگفته
 خط نگاهداری ملک کفایت نمیکند افلا سالها بگفته
 که در لازم است برای حصول این ممول تا که در
 زاری بنده اسان ترا از نظام و آبادی محسود خود
 نیست که سالها زیاد از این روزه که در روزمان
 دولت و ملت شود در تمام اوای الیاد حاضر سیاه
 و در این بخشاری این نعمت قسمت خلم سوار ب
 و در سال از تجارت و زراعت و صنعت کثیر باشد
 و در برابر سبکه نظم ممتاز سه بسیار استوار
 کرده و نگاه اولیای دولت علیه این ایالات طلبه
 این اراضی فایده و اراضی شده و از آبادی این بخش
 کثیره مسند نظر فرمایند و بنادر بحالت والیه باشد
 اولاف ما در بسوز و فراست است که در سیرین و غیر
 نظر کرده ایم باید غنچه بسیار با در فارس پیش
 و در این خلیج هم از خوشی انکارم و بالله علیه
 با در و سال در دولت به بخت چمن که با وجود چپا
 معین جمعیت از نیک فطرت اکثر خواب سرازیر

روال دولت از کت ایام حضرت نشد و مکی
 به اصحاب که کت بجای اندر ایم
(کاتب)

تا سال قبل قدری سخت در دم و پنج بره بیرون جانی
 رسیده است از جانب دولت شد خدمت آنرا که برت
 و سکوئی که برست و از شکر و ممنون از قدرش شد و چه
 ایات خدا بر او کشته و برست فرستاد ولی حق و در
 جنس کیمت مانده و غنچه و کفایت کلی بوده در طهران
 بر سره روان ای که گذارده اجازت من تحصیل کرده پهل
 با قدرش شد و پر دست و نهایت شرف قیمت حضرت
 خبر بد و غنچه طهران و دانه و هزار تومان باید گذارند
 در واقع دولت علیه بیشتر از چهار هزار تومان رسیده
 ابدا و زارت فارغ رسد بر حق واسطه باخورد
 اجازت تحصیل کرد و سال آمده از کارافت و مالک املات
 سبیه خودشان بیشتر این پوست کت که آن کرده پست
 به استازیت پوست داد و از ایالات به قیمت
 صاحب یکسکه بجای بعضی همه هزار غنچه غنچه
 شکست فساد قدری قدری که کتیک شد و همراهم
 به دولت هم جهت اجازت جری سبیه و کمال حقیقت
 قیمت نازل سبیه شد یعنی از آنها میگذرند تا تراک
 قیمت محتمل سبیه شد و دولت هم چیزی بریز
 اینست حال کت که برده و غنچه و فتن پوست

(یزد)
 و تابع کار مجلس المتین سبزه کت بزرگ است
 چند کتاب آقای وزیر بجا که در طهران آمده برادرش
 جناب اجل آقای عدل الدوله و ام اقبال بیاست برده و کت
 بی نظری برینه روی بجا پیش کاره از سدی الیاد و اشار
 استیت حاصل شده است اما از یک طرف سبب شهباز
 کاری از زمینه سازی یعنی من باب طلب سبزه شخصی
 در استان و خراسان و رومیه
 سبزه کت که به میان و روز وین در تهران زرشکی
 به سلفان که در شان است از اینکه با شتابانی که در
 کردن دفتر زرشکی فرزند حسینی بود زرشکیان هم از
 دفتر حضرت خراسانی بخورده و خراسانی که دفتر را
 ستم که در زنده و غنچه برده دفتر است تر و غنچه

و این اردو در پرده گذاشته تا قسریه و همیشه پیش
 ضعیف و بیرون میزند و درین وقت است که
 برآه نمائی جناب جهت خوانیدن
 بنیضه را در کیمیا بنیضه سکن بنیضه متوفی نماید
 نموده زمین سازی کرده که ضعیف جدید - اسلامی است
 کششی برود بنیضه داده است که فرود و مکان شب
 و شش در گرفته و جمع مرده است بنیضه جدید - اسلام
 واسطه بوده و پدر و مادر و کسان و خیره ازه مسلمان که
 زرتشتی میباشد با جد اولی که آن بنیضه داشته است بخشش را
 زهره آلود کرده بنیضه جدید داده اند که او زن تازه
 مرده داده است در روز جمعه از وقت بنیضه جناب
 با سخن اطلاع داد که چنین مقدمه شده است
 و کسان زن در گذشته نزد من آمده اند و میخواهند نشانی
 کنند حال چنانچه خود میگردد زنده آنها و الا بگذر باید شود
 بدلیل بر این اشیاء و وقوع چنین مطلبی را اظهار نمودم
 در روزیک چنین مقدمه حقیقت داشت غریب نیست
 آورده در محضر حکومت و علمای شرع بتعیین
 و تصدیق الهیات کنند این نیست که جهت و آنرا
 برای اینکه رضایت و اجابت خدای تعالی را از مسلمانان
 او داده اند بدین عداوت میخوانند چنین نیست
 بگردن چپارگان و اردو در دین گفتند که گذشت
 که پس از چند روز جزا آورده اند که در نماز و برزخ
 وقت بر زمان و مردان و در وقت آن زرتشتی آنجا
 نماند برده چپت زعفران و زین وحشی و خندان با کوفت
 گرفته با انواع خسته و تنگ و عذاب در نماز آخره
 پیشاناز آنجا مرس کرده که قلاق و حسه بر میخوانند
 از شنیدن این مقدمه خدمت آقای عدل الدوله
 و ام اقبال العالی عریضه عرض نموده و ادعای شده
 که بدو ضایع است چه اگر کاری کرده اند چه
 حکومت حاضر نیاروده اند که تحقیق کنند با آنکه
 مطلب را جناب مستطاب آقای صدر العلامه فرموده
 معلوم شد که در امور یکی از آقای صدر العلامه یکی از
 محمد الکلبا بوده اند با انواع خسته و عذاب و قرآن
 نیم از چپارگان و عریضه زیاد دریافت کرده و چون
 نذر زمان و مردان چپاره را با دست پشت بسته است

و از طرفی که در گذران در با - دست خدای شده
 خان آقای صدر العلامه و جناب مستطاب عیال
 سکه شریفه را آقای سید علی سله الله تعالی تحقیق و
 استطاق نموده صدق و کذب را در یافته و معلوم شد
 که جهت صرف افزای سخن است نسبت بنده شنبه
 چپاره باز راضی با انصاف نشده در قیاب می
 جسمی کرده راهمانی نموده اند که لوث ثابت کند
 تا قسم او شده است را بگردن چپارگان ثابت نماید
 و در او آورده قسریه و همیشه میزند و چپاره
 دارد و خیره از مسلمانان کسان را سذب مسلک کرده
 با انواع حبس و ستم بسیار گرفتند و زمان و غیرم
 و تعالفاست جناب آقای صدر
 حکومت چپاره تومان حق حکومتی از چپارگان
 نیز از چپارگان آنچه با مردم و دستخیز زمامتی و
 عینه و کسانان کسب آنها بود در کار فرودش اند
 گفته کرده بدینند و اینقدر است بریزم نموده
 نیست کنند و خیره از زویه برود چپارگان
 که در آن و پریشان کرده اند هم بمسوم ساختن
 نموده حال هم در بر و کوفت چپارگان و از سرگردان
 مانده جناب نشسته اند نه پای گیر و وضع حکومت
 هم با همه عدل انتظام این است
 جناب جناب مستطاب میرزا قانع الله تعالی وزیر
 در دو ماه پیش طهران تشریف برده مورد و احسن
 بی پایان بنده گان اعلی حضرت اقدس همایون نشانی
 ارواح فدا و اسناد اولیای دولت کرده با
 خلعت هر طلعت همایون و لقب نیک و شایسته
 چهار روز پیش تشریف فرمای برزنده این وزیر
 نیکو پذیر جان آراسته خوش خلق بوده و هر
 موصوف در پیشانی و چهل است اسراروی و اولیای
 مردم بر زانیه الواب خان میگردد یکی و باب لک
 برده بود روز سه که مسلم الیه از طهران بریزم
 خان میگردد یکی در شان و بریزم بسین بشاد ساکن
 بجوار رحمت ایزدی پیوستند
 بر سر
 وقایع بخارامی نویسه کندم در آذربایجان ال

بسیار بیخ تومان و آن الی شازده تومان بنگ هزار
 مثال ترقی نمود جناب ایر نظام با تیره کافیه اکابر مملکت
 جمع نموده در حضور خود از ایمان مملکت و تمام علی قس
 داده یکصد هزار تومان بدون معاطه و بکر گفته که از آن
 و بدالی یکسال تمام حضرت کتبا را از دانه فارجه کندم
 نموده عمل بریز نماید لطف جناب حاجی سید رضی آقای
 حاجی فاسم آقای سید ارادیل جناب حاجی مهدی آقای کر
 کتانی و جناب حاجی سید آقا آقا آقا آقا آقا آقا آقا آقا
 آقا آقا آقا آقا آقا آقا آقا آقا آقا آقا آقا آقا آقا
 علی آقا آقا آقا آقا آقا آقا آقا آقا آقا آقا آقا آقا
 از اعظم تجار و از ایمان مملکت جناب مستطاب آقای
 وزیر مالیات و جناب آقای سعید الدوله فرزند جناب آقا
 سعید الدوله که در واقع کفایت و ادبیت خود از حضرت
 محضر سلط و ولایت عهد جناب ایر نظام با عظام بار
 خدمات کرده و ولعی بجز داده از عینه این چنین است
 همه بخوبی برآه حسب لایحه بار که چپاره هزار تومان از
 ایمان و چپاره هزار تومان از اعظم تجار بموجب تبیین
 صورت جناب سعید الدوله و حضرت تجار جمع آوری
 شده تسلیم جناب شهیدی حضرت آقای آقا آقا آقا آقا آقا
 تجار و بسلامتی نفس ایشان آقا آقا آقا آقا آقا آقا آقا
 صرف نموده کندم فرموده و در شهر نماید از قرار که
 این چپاره جناب شهیدی حضرت آقای آقا آقا آقا آقا آقا
 احوال که رقم فرموده اند و در فضل الهی هم که در ۱۳
 تومان کندم و در شهر نیام این روز هر دو سال که
 این چند روز بقدریک قرآن از قیمت کندم و یک چپاره
 از قیمت آن است
 ایوم که در چهاردهم شهر جمادی الثانی و معاصوف
 روز مولود اعلی حضرت اقدس ظل الهی است ایر نظام و
 نمای ایمان مملکت و توشه های غاریه و از باب بیف و قلم
 با اسبابی رسمی رسم سلام را خدمت الا حضرت لایحه
 به جای دوام دولت قاهره و از یاد عمر دولت اعلی حضرت
 اقدس همایون که زانیه
 جناب میرزا صادق خان سید قائم مقام محرم لقب
 با سبب مالک تعین خزان شال به جای دوام دولت
 قاهره و الا حضرت لایحه همه انشاء نموده بعضی سبب

بیدار شلیک حدودی توب که علامت شادمانی بود
سلام کرده
آن که در نماز شایسته و اوقات شایسته و در آن
حضرت لایت علیه السلام بیست هزار تومان جناب مستطاب علیه
نظام ده هزار تومان جناب سید الملک امیر تومان
پنجاه هزار تومان سید الدوله وزیر ایالت سی هزار تومان
پنج هزار تومان سید محمد خرمی که در خدمت فرموده اند
بجز این بیست و پنج نفر خواجیم نمود
بعد از آنکه تمام کافه وقت با جناب شهیدی بنفست تمام کرده
لغات فرموده احوالات گندم را چه در این شهر فرمودند
عالات تحقیق چون خدا را ست حال گندم در ارض است
لسته آذربایجان در بعضی نقاط کم بود و بعضی نقاط خوب
در اوایل منتهی الیکین چون اینک گندم را بفرود شده آنچه
در وقت جمعیت گندم داشتند و خود در وقت هم داشت
همه را گرفته اند ساقه و سحالی هم فرودخته ازین رو
گندم تنقی نموده شد از شمال خرواری بر حسب پنج تومان
و آن شازده تومان شد

گفت فرموده احوالات حضرت البیهدی و اسباب گندم
بارگفت حضرت سید محمد باقر که در آن سال شایسته
و بیست و هزار تومان هم از کفایت دولت در آن سال
در خدمت فرموده و در این عاقل خود سالی نظام
باقام و انجام رسیده است

(تفصیح علم)

ده سال قبل از این در ایام شریف و با کمال کمال
مناقصی بوده اند یک ضایع که یکبار و آنجا که
مناقصی و دعائی در دریا چون موقوف و بکار نشوند تا که زمین بیرون
بین سعادت ترقی نکرده چهارت و دعائی - ابرون -
پایه و بیست فرود رسیده و هزاره و بیست است سیل
راه آهین در ملک خود کشیده هم نگاراف - ابرون -
که اگر روی زمین گذارند زمین را چون شش و سه
و این ملت هم بسیار سی سال که امر و فرستادن آریا
هستند در تمام صنایع کوی سعادت را از آن سر و پائین
بر بوده اند چنانچه بر صنعت تازه که در امریکا و اروپا
میباشد فروراد در ابرون ساخته سعادت نازل با سه سال خود
رواق بار بار نامی نشد که بیکدیگر حالت است در ابرون
از تمام دول فرنگ بتر است تجارت ششم و در ابرون
بسیار کجاست تمام آنکه که یکبار بنیاد است
علمت اگر از قیومه مهمل بود باید با ملت است
سه تمام ملل بشیم هم بعضی کار کسانجات
ایران باز کردیم ما هم بسیار چینی در این سال
و اویم چینی که در آنجا است هم بار شد و بار بار
کیا چینی ها هم از هم نیست این هم فرستاده
ازین قیومه دولت بر ما هم در این سال
(قابل توجه علمای اسلام)

مسلمانان تمام دنیا و تمام ملل و ادیان برین
صفت تواریخ ملل و ادیان مشهور بین عناوین است
مشاید برین مقال نال وین نفاذ نیست که او زده
ملل و دین آنها در کمال شکام است و در شوق و ذوق
عالم در کمال آزادی و ادای مراسم نهی خود آرد و در
دین خود شایسته و جا بجا و دست سال قبل یک نفر
در هر چند جزو قواست قوت ملت و دولت خود در
از مسلمان و بنده وی هستند و نشان شریک خورده آنها
شده که در هر چند و نشان قوی بزرگ همه است
و آنکه درین و دیگر در نیست جماعت آنها از جمعیت
اسلامیان منتهی است که در هر چند را بر سبیل شکر
همین قسمت تمام نقاط عالم و حالت زبونی مسلمانان
ضعف اسلام درین و آن ظاهر و هویدا است هم
نقد اسلامیان در سودان نابود و برترین قومی
و پلاک میخونه قوت و دم زدن نازیم ولی یک نفر
ملت نصرانی در چین یا سایر ممالک مصدق یا کذب
کشته شده و یا در سحر و آن ملک خود دولت بر
اگر نصاری منتهی شمس مسلمانان بر زور ضعیف بوده
در ازای قتل ایام یک نفر از ملت است خود ملک
و ملکی را نابود نمیکند و نه مثلاً قبر مهدی سودانی در نظر
ایمانی با رفقه مطهر رسول خدا علی و تقی و امام حسین
یک است امر در سودان استیلا یافته است
توانسته که غذای ما کرده اگر فرستد این ما که
ما هم دست یابند همان سلوکی که باقی مهدی سودانی کرده
این صفا بر شکر که اندام کرده مهدی سودانی یک نفر
جزل خود در این پیش کشیده بود و بجزگان اسلام
رومایی نصاریت که شانه ملت نصاریت کشیده
ماکنون که در ملک بعضی همان شده اند دست بر شکر
بیکدیگر مسلمانان قوت داشته اند زنده قوت است
زائل همباینه تا وقتیکه قدرت کامل حاصل کرده
از مختار بر شکر که بزرگان اسلام بار کرده بر جدا قسم
اسلامیان در خواجیم علمای اسلام درین و در
یعنی واقف از کار و ادبهای معاصری در عالم است
میست بلند کشیده اسلام است و است که از این
مقاله از شخص نیست خداوندی ملک خداوندی

حضرت لایت علیه السلام بیست و پنج نفر خواجیم نمود
بعد از آنکه تمام کافه وقت با جناب شهیدی بنفست تمام کرده
لغات فرموده احوالات گندم را چه در این شهر فرمودند
عالات تحقیق چون خدا را ست حال گندم در ارض است
لسته آذربایجان در بعضی نقاط کم بود و بعضی نقاط خوب
در اوایل منتهی الیکین چون اینک گندم را بفرود شده آنچه
در وقت جمعیت گندم داشتند و خود در وقت هم داشت
همه را گرفته اند ساقه و سحالی هم فرودخته ازین رو
گندم تنقی نموده شد از شمال خرواری بر حسب پنج تومان
و آن شازده تومان شد
حضرت لایت علیه السلام بیست و پنج نفر خواجیم نمود
بعد از آنکه تمام کافه وقت با جناب شهیدی بنفست تمام کرده
لغات فرموده احوالات گندم را چه در این شهر فرمودند
عالات تحقیق چون خدا را ست حال گندم در ارض است
لسته آذربایجان در بعضی نقاط کم بود و بعضی نقاط خوب
در اوایل منتهی الیکین چون اینک گندم را بفرود شده آنچه
در وقت جمعیت گندم داشتند و خود در وقت هم داشت
همه را گرفته اند ساقه و سحالی هم فرودخته ازین رو
گندم تنقی نموده شد از شمال خرواری بر حسب پنج تومان
و آن شازده تومان شد

گزاره نوشته ایم که قوت این بقوت شده است
هر قوم دولت که دین خود را فریضه شمارند با دولت
خود را عزیز دارند و دولت خود را قومی سازند
در انضام دولت ترقی دین و دولت متعصر نیست
ایا سیکه سلطنت اسلام قوت داشت مسلمانان هم
بودند و در کمال رضا و رغبت فوج فوج کسره کرده
بدون کرده و اجبار برین مقدس اسلام و اسل شده
قوت اسلام و اسلامیان می اندوزند و این مسئله

صرفاً جهت احیاء و غیرت اسلامیست چه شکر که
 شش سال است غمخیزه پاره میکنیم و عمارت اسلامیان با
 متنبه شده که میازیم ولی افسوس که سببی از کورالندان
 خود غرض نفس که علم و این علم بلکه اسلام را میسر از نام
 کرده و بعضی هم از نفس الهیاء و دانش و فضیلت خود سبکی
 جبل المتین ترین علم را میگذرانند و غافلند که
 فخر و با مات بل المتین بی علم و خواندن علمت بل المتین
 غاوم و نه وی علمای اسلام است و در فخر جبل المتین حسین
 بس که زاید بر دولت علمای اسلام از شیشه سوی فرید
 اوست بل جبل المتین پرده اندوزی که انقلاب سببی متعلقین که
 تسلسل شده علم و علمای اسلام را بد نام میکنند و علمای متنبه
 از اغفال و اعمال و احوال آنها متنبه میگردد بجهت نفع دنیا
 علماء و وضع بجهاد و فساد و عوام بر میسر و چون غرض
 شخصی یا کسی ندارد و در جمیع مفسدین شرایشان افکاش
 نموده و بر کسی بر طغیت خود مبتنه باری مالک مسلم شد
 قوت دین منوط بقوت متنبه بین است بر نظر حفظ
 بیعت اسلام بر همه مسلمانان واجب است که در قوت
 نوع مسلمانان کوشش و سعی نمایند این امر در قسم مکن
 اول اتحاد اسلامیان و رفع اختلافات فرود آمده
 و برادری ابتداء اسلام چه که آنچه بدولت اسلام
 بلکه بدین مذهب اسلام رخ نموده چنان اتفاق است تمام
 جهالت اسلامیان که سرگشته تمام دولت با خود آریه است
 از بخت فغان و اختلافت و طلال این مشکلات همان
 علمای اسلام اند و باید که قوه علمای اسلام اسلام وضع
 این اختلافات فرود میستواند شده نکته و دیگر که ایسا
 قوت اسلامیان میستواند شده همانا اتحاد دولت
 و دولت اسلام میباشند چه پیر و منجست که قوت
 قوت ملل اسلام منوط است بجهت دول آنها و دولت
 بر کز قوی میشود که اتحاد دولت این صده بیتر
 بسراگشت به حبس علمای اسلام است تصور از اتحاد
 قول نیست و ز زبان عموم مسلمانان با دول اسلام
 متحد و همراهِ بیستیم منظور اتحاد و علیست که امروزه
 ملت امریکا با دول اتحاد خود دارند هر فرد وقت
 امریکا خود را شریک دولت متحد خود میدانند و کز بدین
 وجان در باره دولت خود در پیغ دارند و او فیکر با هم

فرد خود را شریک دولت اسلام تصور نمایند
 و از بدین حال جان در باره دولت خود در پیغ نکنیم
 مثل آنکه در بدو اسلام اسلامیاء باره قوت خود
 داشتند هر آینه ملت و دولت اسلام را متحد نمی توان
 گفت و دول اسلام ترقی و قوت حاصل نخواهد کرد و
 تا وقتیکه دول اسلام قوی نشود قوه ملت و قوت
 اسلام به وجهی حاصل نخواهد رسید در خانه اگر است
 یکت فیس است
(جویت نظری ایرانیان)
 در امتحان (بی) (۱) اعلیای سال در اداره
 علیه سببی هزار نفر طلب جمع بود و تعداد از
 یک ثلث در امتحان کامیاب شده
 مسارف و سگاه آقا میرزا عبدالحسین خان کاشانی
 امتحان از میان اسلامیان در بدو اول مقام اول
 یافت الحی بافت فخر ایرانیان بل تمام اسلامیان
 آقا میرزا عبدالحسین خان موصوف از تیزه رفت و
 کوشش خود در رقم اتمام میاید اول انجاسیکه سموت
 به (سرفرنگ سوترا) که هر یک از مسلمانان که در بدو
 اول امتحان را حاصل نمایند در حق او برقرار میشود
 انعام یا یکسال یا بی پانزده و پدید است دوم انعام
 که از جانب مدرسه علیه داده میشود و کسی که در بدو
 اول را در امتحان بیاید و آن یا یکسال یا بیست
 روپیاست این دو انعام اسال در باره این مبرهن
 غیرت برت شده سال گذشته نیز چون در بدو
 اول امتحان یافته بود هر ماه بیست روپی انعام
 یافت آقا میرزا عبدالحسین خان کاشانی برادر میرزا محمد
 روزنامه گر امی شریا مطبوعه و معصرا قایم بر اعلی محمد
 خان و دیگران که اداره موصوف تمام مهند و ستانت
 اینست تیزه سعی و کوشش در راه علم نیست
 نموده از جویت و جوهر ذاتی ایرانیان
ایضا
 پس از ده سال اسال امتحان تریه عدالت
 العالمیه در زبان شده یکی در آورده و دیگری
 ناگری سه نفر از ایرانی نژادان کلکته بدون هیچ پیش
 برزی و تدارک شریک امتحان شده است و الله

هر سائها در آورده و دو نفرشان در ناگری کامیاب شده
 و حال آنکه در امتحان شریک شده از سائهای در
 پیش بینی نموده مسته بوده و معذالک دولت آنها
 اشائی شان بزبان آورده و ناگری کامیاب شده اند
 نیست که جوهر ذاتی که درین ملت نجیب قیامت آقا
 سید صدرالدین شریازی و آقا سید حسن شریازی و آقا
 محمد کاظم شریازی امتحان آورده کامیاب گردیده اند اگر
 حسب قوت در ما ایرانیان باشد باید وجود دیگران
 در شش ذوق قوت را اسباب فرخنده تصور کنیم بزین نگاه
 ظاهر شود که اگر ملت ایران تیزه ترین کان شش سائها در
 زبانی را که دیگران به دو سال میوردند آنها یکسال تمامند
 میوردند و در جبل المتین با کمال مسرت علمی موهبتان خود را
 تیریکه میگردید هر گونه خدمات ایشان بجهت دول
 ماضی است
 سائ مسلمانیکه درین امتحان کامیاب شده اند تیزه
 ذیست در آورده و سرلوی فیضیل احمد امام آرا ام
 عبد العزیز خان - عثمان علی ام اس ابوالفضل سید عبد الله
 ای آج عبد الله - محمد مدین الله عبد القدر - شاکر
 ارشد - رسول بخش - آقا محمد موسی - محمد علی - محمد عبده
 اشه فلیهان - محمد بهادر عالم - محمد امیر - محمد موسی -
 ششش الذین حسین - آرم عبد الله محمدان - حسین
 الرحمن - انور عظیم - محمد قاسم الدین خان - محمد عبد الله
 سید علی عظیم - احمد حسین - نواب علی - قطب الدین -
 سید سلطان - ایش انم ارمن - سعادت علی -
 اس محمد علی - آقا محمد موسی - محمد مجسم الدین -
 ابراهیم احمد عبد الحمید - عبد الرحمن - امین الدین
 احمد - کسانیکه در ناگری کامیاب شده اند تیزه
 سرلوی فیضیل احمد انم - سید عیسی الرحمن آرا ام -
 عبد العزیز خان - رسول بخش - محمد علی - آج عبد الله
 عثمان علی - محمد بهادر عالم - محمد قاسم الدین خان -
 محمد امیر - محمد مدین الله - محمد موسی - آرم عبد الله
 خان ششش الدین حسین - اس ام ارمن - آقا
 محمد موسی - عبد القدر - احمد حسین - ام اس ابوالفضل
 سید عبد الله - امیر حسین - محمد عبد القدر - انور عظیم -
 سید رضی حسین - سعادت علی - نواب علی محمد شریازی

اجل اخبارات (مکمل)

دیج از افغانان انگلیسان بوزن را در قتل و نظام دکن کوه
 کرده اند
 بسیار از در هند که متول ترن لاکین بحال بسیار
 غیبت و صاحبیت بر دین جهان را در اوج گفت
 برادر بسیار به متوفی مبلغ کثیر بحکام داده که در ذرات
 مصارف صرف نمایند
 باشنندگان بالای سوات تمام قطع تعلقات با
 خود کرده اند که شش از امداد لای موصوف را بخود راه اند
 اند آن اقوامیکه تا میده امداد را نمانده بودند نرایه
 نانهای آنها را غصب و دانات شان را آتش زده
 است در جنگ لای نواب در یکصد نفره از پیروان
 او مقتول و شصت نفر مجروح شده اند
 براسطه قتل باران در راجه پوتانه آثار قطعی میارشد
 در هند روسی سده شتر را کارهای امدادی شغل نموده
 میگردد یعنی از اشتهار بطریق غنیه پیشگاه بلخه
 بخش زده خاکستر نموده اند
 رئیس کمیسون فاعون در بنگلور اظهار داشته که در میان
 فاعون را خصلت گذاردن بی هیچ فایده ندارد بلکه
 انذارش از فاعون بکنه نیست
 اخبارات لندن میگویند که در گورن در ماه
 راپلندی ایالات بود در بار خواجه نمود امیر افغانی تا هم
 شرکت خواهد نمود (ولی خیال ما این امر فرین میسر
 تجویز نموده اند که در فواج مالکند و چسکه در حضورنا
 مشق لای فاعون نموده تا فواج سرحد در آن عازم میباشند
 ایام کربلوس را چهارمید چیار در کلکته خواهند گذرانید
 دکن یکی از تجار یعنی بطریق ناجانز تر یاکی طلبکار
 بهشت هزار روپیان دست آماده باید دید که چرا
 او را بد قدر بنمایند
 میگوید بکشت ساختن بیمار خانه مخصوص از این زیاده
 وقت نموده که پنج هزار روپیا انگلیش دارد و شهریه
 را باقی بهشتاده بهشت هزار روپیس است در ظرف
 طاعون تا آنکه در مجرای بیمارستان قرار کرده اند
 در روز شنبه ۱۳ شهریور ۱۳۰۶ از امداد افغانان
 زیاده آمده که صرف رسیدن به هند و قیامی در

قلا در کلکته مانده است نموده
 در استان آخر از هند سوات کوهستان فرار شده
 دارد که زن در سوسام و بمبر دار و بمبئی خواهند شد
 در عمارت دولتی و محلی بر تخت از ایناوت
 سوسام و بمبر شام از بمبئی مسکت خواهند کرد
 از یکم اپریل الی آگست وزیر بمبر شام میون گندم
 درشت را در این چند و پنجاه هزار روپیه بر سرچ
 چهارات از هند خارج شده
 الم کس (رقسی از مراض است بر آدی رعایا) بسیار
 از سوسام راس (۲۳۹۳۵۶۱) روپیه و صد
 سال گذشته (۲۳۹۶۲۸۸) روپیه محکوم شده
 اول آف نارتهد بر دکن در یکی از اخبارات
 انگلستان نوشته که اگر در هند سگ طار را جی یاب
 معلوم نیست که صاحب خوشی قبول نمایند یا نه
 از حیدرآباد دکن نواب سرخو رشید جاه بیخته
 ملاقات فرمائند ای سید به هند عازم کلکته میباشند
 نواب سرخو قارلا ناره اندکی ملاکت میباشند
 بهشت حسین سرحدین و برمانند سرحدین
 انگلیسی در ایننگ ملاقی شده اند از سرحدین
 از یکین نیست از جانب مسکت سوسام (بیت)
 نامور به صورت مشول تا رکات و حسین
 سرحدین میباشند
 تجار پارچه در این روزگون قرار داده اند که در
 از سازجه و کاکین خود را بار نخواهند کرد
 (مسجد دین) که امروزه در هند و سوات است
 غالباً راه ماریج رخصت کرده عازم انگلستان
 خواهد شد او که پاکستان که من (سیده و بی
 سلسله از این چند س کار فاعون است این فصل
 تاکنون در پشاور است تا مقرب روانه کابل
 خواهد شد
 این ایام در افغانستان صرف یک انگلیس و دو
 المانی موجود است باقی از زمان امیر خجست
 رفته اند
 همچنین بدین که در کین التجار در هند و سوسام
 بیست هزار روپیه طلبت کار است و کین خود را

فد سنده بجای اسیله نوار خشت با هم و با هم
 اواد است که فواج سندی مواشی بسیاری از
 و بر روی فارت کرده اند
 جساتی از فرقه در برسی در دوده و رقم بهشت شتر
 فارت کرده فوج خیر و رنده و آنها را خفایت نموده اند
 طرفین بلیک تنگ شده یکی از آنها را جروج شده
 شتر را از گرفتند
 در اگلن مع ذوق فرزند ایشان بر روی رنده و اشد باز کور
 شده امروزه در کلکته خواهند کرد
 بیست و یکم شهر جاری سرولیم لاکهارت سپهسالار
 قنون از کلکته وارد کلکته کرده
 در سوم ماه از فوج کلکته در این میگردیدند
 است که در بیست و یکم شهر است و بیست و یکم
 قبل زیاده شده روی هم فوج بیست و یکم از پانزده تا
 بیست گرفتار از دود پانزده تا بیست و یکم
 سمت عمومی بیست و یکم سال که شش بهشت است
 کرایه در فاعون بر این نام است طلبت از دکن
 بیست و یکم شهر بخورد که فاعون زیاده و فاعون
 و قدر روی بخورد بیست و یکم شهر فاعون
 و در فاعون قرار شده اند
 در بیست و یکم شهر و دیگر در سوسام اندکی
 کرده سوسامی بود و یک مقامات چندان و از این
کلکته
 اسباب هوای کلکته چندات سرد است و عمومی بسیار
 فاعون بر روی سوسام و از این سوسامی
 در روز دین و عصر بیست و یکم شهر فاعون
 در فاعون از دکن کلکته از فاعون
 غالب بزرگان هند بکلکته آمده اند
 در فاعون در بیست و یکم شهر فاعون
 خواهد شد و کذا فاعون در فاعون
 از فاعون سال که شش بهشت فاعون
 عالی کلکته بهندم و سوسام طلبت از فاعون
 الفان ایام کلکته در فاعون
 این بهشت از فاعون در فاعون
 در فاعون سوسام (سوسام اسلام)